



The Role of Iran's Elections in the Middle East and the World Crises

Mahmoud Rashnavaz *

PhD Student in International Law, UAE Branch,
Islamic Azad University, Dubai, UAE.

Abstract

Elections play a fundamental role in democratic governance. Democracy is a form of government in which political decisions are made directly by the entire body of eligible citizens. Elections enable voters to choose leaders and hold them accountable for their performance in office. Therefore, elections provide political education for citizens and ensure that democratic governments are responsive to the will of the people. This research, using a descriptive-analytical approach, seeks to answer the question of what internal and external impacts, particularly on the crises and political issues in the Middle East, will result from a high-turnout election on March 1, 2024 (Esfand 11, 1402) in Iran. The findings of the research indicate that the maximum public participation in the March 1, 2024 elections for the Islamic Consultative Assembly and the Assembly of Experts will not only strengthen and enhance the political legitimacy of the Islamic Republic of Iran domestically but also neutralize the conspiracies of the enemies of the Islamic Republic, leading to an increase in Iran's influence and power in the Middle East, thereby elevating the country's standing as a key player in the region.

Keywords: Islamic republic of Iran, political participation, elections, international crises, internal cohesion

Received: 06/April/2024

Accepted: 31/August/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

نقش انتخابات ایران در بحران خاورمیانه و جهان

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی،
امارات.

محمود رشنواز *

چکیده

انتخابات، نقش اساسی در حکومت‌داری دموکراتیک دارد. دموکراسی، شکلی از حکومت است که در آن تصمیمات سیاسی مستقیماً توسط کل بدنه شهروندان واجد شرایط اتخاذ می‌شود. انتخابات این امکان را به رأی‌دهندگان می‌دهد تا رهبران را انتخاب کنند و آن‌ها را برای عملکردشان در مقام خود، مسئول بدانند؛ بنابراین، انتخابات، آموزش سیاسی را برای شهروندان فراهم و پاسخگویی دولت‌های دموکراتیک به خواست مردم را تضمین می‌کند. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی تلاش نموده است به این مسئله پژوهش پاسخ دهد که برگزاری انتخاباتی پرشور در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ در ایران، چه تأثیرات و پیامدهای داخلی و خارجی به‌ویژه بر بحران‌ها و مسائل سیاسی خاورمیانه خواهد داشت؟ یافته‌های پژوهش حکایت از این مهم دارد که حضور حداکثری مردم در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، علاوه بر تقویت و ارتقای مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در داخل، ضمن خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، منجر به افزایش قدرت بازیگری ایران در خاورمیانه شده و جایگاه بازیگری جمهوری اسلامی ایران را ارتقا می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی، انتخابات، بحران‌های بین‌المللی، انسجام داخلی

مقدمه و طرح مسئله

همواره مشارکت شهروندان در حیات سیاسی خود مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه اجتماعی و سیاسی بوده و از زمان شکل‌گیری دولت‌های مستقل، این اندیشه همزاد آن شکل گرفته است که مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند و به‌نوعی باید قدرت مهارنشده حاکمان را که در رأس قدرت قرار دارند، محدود کرد. این تحدید در گرو مشارکت شهروندان در سرنوشت خود بوده است و امروزه، مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن دموکراتیک حساب می‌شود.

موضوع مشارکت سیاسی و انتخابات و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد. امروزه، این واژه اهمیتی دوصد چندانی پیدا کرده و مشارکت در عرصه‌های گوناگون خصوصاً انتخابات، همواره مورد بحث و نظر بسیاری از صاحب‌نظران بوده است به‌گونه‌ای که به نظر برخی صاحب‌نظران، محور اصلی توسعه و پیشرفت در کشورها بر پایه مشارکت سیاسی مردم آن کشور به‌ویژه در صحنه و عرصه انتخابات است چراکه انتخابات در هر شکل (چه انتخابات در انتخاب شورای روستا و شهر در بعد پایین‌تر، انتخاب نماینده مجلس در طیف وسیع و چه انتخاب نماینده خبرگان و رئیس‌جمهور در طیف گسترده‌تر)، اساس و بنیان هر جامعه را شکل می‌دهد و کسانی که به‌عنوان نماینده در هر قشر و دوره‌ای انتخاب می‌شوند، سکان روستا، شهر و خصوصاً کشور را به دست خواهند گرفت. امروزه، انتخابات از مهم‌ترین بحث‌ها در هر کشور بوده و هر کشوری مصمم است مردمانش بیشترین مشارکت را در انتخابات و پای صندوق‌های رأی داشته باشند چراکه هرچه مشارکت مردم بیشتر باشد، به همان اندازه بیانگر اقتدار بیشتر حاکمیت آن کشور خواهد بود.

انتخابات، یکی از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی و شرایط تحقق مردم‌سالاری است به‌طوری‌که محور اصلی مشارکت سیاسی، مشارکت‌های انتخاباتی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زمینه مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه در عرصه سیاسی و فرآیند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اداره جامعه فراهم شد. به‌طور متوسط، هر ساله در کشور یک انتخابات برگزار شده است. به همین جهت، مشارکت انتخاباتی ملت ایران، پشتوانه‌ای جدی برای نظام به شمار آمده است.

انتخابات، نهاد مرکزی دولت‌های دموکراتیک است زیرا در یک دموکراسی، اقتدار حکومت صرفاً از رضایت حکومت‌شوندگان ناشی می‌شود. مکانیسم اصلی برای تبدیل این رضایت به اختیارات دولتی، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه است. همه دموکراسی‌های مدرن، انتخابات برگزار می‌کنند اما همه انتخابات دموکراتیک نیستند. دیکتاتوری‌های دست‌راستی، رژیم‌های مارکسیستی و دولت‌های تک‌حزبی نیز انتخابات برگزار می‌کنند تا به حکومت خود، هاله مشروعیت بخشند. در چنین انتخاباتی ممکن است تنها یک نامزد یا لیستی از نامزدها بدون انتخاب جایگزین وجود داشته باشد. چنین انتخاباتی ممکن است چندین نامزد برای هر دفتر ارائه دهد اما از طریق ارباب یا تقلب، اطمینان حاصل شود که فقط نامزد مورد تأیید دولت انتخاب می‌شود. انتخابات دیگر ممکن است انتخاب‌های واقعی را ارائه دهند اما فقط در داخل حزب فعلی. این انتخابات دموکراتیک نیست. انتخابات، کمک اساسی برای حکومت دموکراتیک است. از آنجا که دموکراسی مستقیم (شکلی از حکومت که در آن تصمیمات سیاسی مستقیماً توسط کل بدنه شهروندان واجد شرایط گرفته می‌شود) در اکثر جوامع مدرن غیرعملی است، حکومت دموکراتیک باید از طریق نمایندگان انجام شود.

انتخابات این امکان را به رأی‌دهندگان می‌دهد تا رهبران را انتخاب کنند و آن‌ها را برای عملکردشان در مقام مسئول بدانند. زمانی که رهبران منتخب اهمیتی نمی‌دهند که آیا مجدداً انتخاب می‌شوند یا به دلایل تاریخی یا دیگر، یک حزب یا ائتلاف چنان مسلط است که عملاً هیچ انتخابی برای رأی‌دهندگان از میان نامزدها، احزاب یا سیاست‌های

جایگزین وجود ندارد، پاسخگویی تضعیف می‌شود. با وجود این، امکان کنترل رهبران با الزام آن‌ها به تسلیم شدن در انتخابات منظم و دوره‌ای به حل مشکل جانشینی در رهبری و تداوم دموکراسی کمک می‌کند. علاوه بر این، در جایی که روند انتخابات رقابتی است و کاندیداها یا احزاب را وادار می‌کند تا سوابق و نیت آینده خود را در معرض نظارت عمومی قرار دهند، انتخابات به‌عنوان تریبونی برای بحث در مورد مسائل عمومی عمل نموده و بیان افکار عمومی را تسهیل می‌کند؛ بنابراین، انتخابات آموزش سیاسی را برای شهروندان فراهم می‌کند و پاسخگویی دولت‌های دموکراتیک به خواست مردم را تضمین می‌کند. آن‌ها در خدمت مشروعیت بخشی به اعمال کسانی هستند که قدرت را در دست دارند، عملکردی که تا حدی حتی با انتخابات غیر رقابتی انجام می‌شود.

در نهایت، انتخابات با تأیید ارزش و منزلت شهروندان فردی به‌عنوان انسان، هدف خودشکوفایی را دنبال می‌کند. هر نیاز دیگری که ممکن است رأی‌دهندگان داشته باشند، شرکت در انتخابات به تقویت عزت نفس و عزت نفس آن‌ها کمک می‌کند. رأی دادن به مردم این فرصت را می‌دهد تا نظر خود را بیان کنند و از طریق ابراز تمایل، نیاز خود به احساس تعلق را ارضا کنند. حتی رأی ندادن هم نیاز برخی افراد را برای ابراز بیگانگی از جامعه سیاسی برآورده می‌کند. دقیقاً به همین دلایل، نبرد طولانی برای حق رأی و تقاضای برابری مشارکت در انتخابات را می‌توان تجلی ولع عمیق انسانی برای تحقق شخصی دانست. در ضمن، انتخابات؛ ثبات و مشروعیت جامعه سیاسی را تقویت می‌کند؛ مانند تعطیلات ملی که به یاد تجارب مشترک است، انتخابات شهروندان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در نتیجه، دوام حکومت را تأیید و انتخابات به تسهیل یکپارچگی اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند.

با ذکر این مقدمه در ارتباط با انتخابات، این پژوهش تلاش خواهد کرد با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی انتخابات برگزار شده در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲ پرداخته و پیامدها و نتایج این انتخابات در عرصه داخلی و بین‌المللی، خصوصاً در زمینه تقویت قدرت بازیگری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و مواجهه با بحران‌ها و مسائل این منطقه پرداخته و به این سؤال پژوهش پاسخ دهد که انتخابات ۱۴۰۲ جمهوری اسلامی ایران، چه تأثیرات و پیامدهایی در داخل ایران و منطقه خاورمیانه داشته است؟

۱- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

این پژوهش، ضمن بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع و ابعاد تحلیلی آن‌ها، جهت بررسی همه‌جانبه و کامل تأثیر و پیامدهای انتخابات ۱۴۰۲ جمهوری اسلامی ایران در داخل ایران و منطقه خاورمیانه به بررسی منابع مرتبط پرداخته و ضمن معرفی نوآوری این پژوهش، به کاربرست موضوع پژوهش در قالب مفهومات نظری مرتبط با توسعه سیاسی، دموکراسی و انتخابات و پیامدهای آن در ایران، خاورمیانه و جهان اقدام خواهد کرد.

۱-۱- ادبیات پژوهش

قنبرلو (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر انتخابات بر جایگاه بین‌المللی دولت: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، درصدد پاسخ به این سؤال است که انتخابات چگونه موجب بهبود جایگاه و قدرت بین‌المللی دولت‌ها خصوصاً جمهوری اسلامی ایران می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که انتخابات، هم از طریق نمایش هنجارهای دموکراتیک و هم زمینه‌سازی برای تغییر سیاست‌ها می‌تواند به بازسازی موقعیت بین‌المللی کشورها کمک کند. این نوع اثرگذاری در تاریخ جمهوری اسلامی ایران چند بار تجربه شده و خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری ملموس بوده است. در شرایطی که مناسبات بین‌المللی کشور به تشنج و تنش گراییده بود، انتخابات زمینه بهبود مجدد اوضاع را فراهم کرد.

دممل هوبر^۱ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان تقویت حق مشارکت: مشروعیت و انعطاف‌پذیری فرآیندهای انتخاباتی در نظام‌های سیاسی غیر لیبرال و رژیم‌های استبدادی، به این مهم می‌پردازد که انتخابات و فرآیندهای انتخاباتی، نقش مرتبطی را برای رژیم‌های مختلف در پرداختن به مخاطبان داخلی و بین‌المللی ایفا می‌کنند. در مقایسه با دموکراسی‌هایی که انتخابات، تعیین‌کننده دسترسی به قدرت است، انتخابات در حکومت‌های استبدادی برای حفظ و تقویت وضعیت موجود قدرت استفاده می‌شود؛ اگرچه ممکن است به عوامل استرس‌زا برای رژیم‌های مربوطه بینجامد. این مقاله توضیح می‌دهد که چگونه رژیم‌های مختلف از انتخابات و فرآیندهای انتخاباتی به خاطر مشروعیت رژیم استفاده داشته و چگونه سعی می‌کنند پیامدهای ناخواسته را کنترل کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که تا چه اندازه انتخابات بر استانداردهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و نظم بین‌المللی لیبرال را به چالش می‌کشد.

مالتا^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان انتخابات و مشروعیت دولت در کشورهای شکننده، این چنین مطرح می‌کند که مشروعیت دولت را می‌توان به عنوان میزان رضایت شهروندان برای اداره شدن درک کرد؛ به این معنا که آن‌ها حق حکومت را برای حکومت می‌پذیرند. مشروعیت دولت با به رسمیت شناختن بین‌المللی متفاوت است. این واقعیت که یک دولت توسط قدرت‌های خارجی به رسمیت شناخته می‌شود، لزوماً به این معنا نیست که از نظر شهروندان دارای اقتدار مشروع است. همچنین از مشروعیت دولت (میزان پذیرش خود دولت توسط شهروندان) متمایز است. درنهایت، اظهار می‌کند که راه‌های زیادی جهت افزایش مشروعیت دولت‌ها وجود دارد و فراتر از همه آن‌ها، لزوم برگزاری انتخابات پرشکوه است.

کیم^۳ (۲۰۲۱) در مقاله تأثیر نتایج انتخابات بر اثربخشی سیاسی داخلی: نقش عوامل زمینه‌ای، به ذکر این مهم پرداخته است که بسیاری از مطالعات، پیامدهای نتیجه انتخابات را برای یکی از نگرش‌های مهم عمومی یعنی کارآمدی سیاسی بررسی کرده‌اند. تأثیر نتایج انتخابات بر کارایی خارجی توسط اکثر مطالعات قبلی تأیید شده است درحالی که تأثیر آن بر کارایی داخلی مشخص نیست. این مطالعه با مفهوم‌سازی مجدد کارآمدی درونی بر اساس نظریه شناختی اجتماعی خود کارآمدی، استدلال می‌کند که دو شرط برای تأثیر نتیجه انتخابات بر کارایی داخلی وجود دارد؛ دشواری مورد انتظار برای پیروزی و میزان مشارکت در انتخابات. این مطالعه با تجزیه و تحلیل داده‌های نظرسنجی جمع‌آوری شده برای سه انتخابات مجلس سفلی ژاپن، نشان می‌دهد که اگر دو شرط زیر به طور هم‌زمان برآورده شوند، نتیجه انتخابات بر کارایی داخلی تأثیر می‌گذارد: (۱) برندگان/بازنده‌ها دریافتند که انتخابات دشوار است/برنده شدن آسان است و (۲) رأی‌دهندگان عمیقاً در روند انتخابات شرکت داشتند.

الکلیت^۴ و رینولدز^۵ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت انتخابات بر مشروعیت دموکراسی‌های نوظهور: دستور کار تحقیقاتی جدید، به تأثیر انتخابات بر مشروعیت سیاسی حکومت‌های نوظهور پرداخته و چنین بیان کرده‌اند که رابطه معناداری بین نهادینه‌سازی سیاست‌های انتخاباتی (به‌ویژه اداره انتخابات) و ظهور دموکراسی در جهان در حال توسعه وجود دارد. این راه جدید نشان‌دهنده پیشرفت مهمی در مطالعه روابط عالی است که تاکنون یا در قانون دموکراتیزاسیون کاملاً نادیده گرفته شده است یا به طور چشمگیری به آن توجه کافی نشده است. تأملات نظری این پژوهش، نگارندگان را متقاعد کرده است که مطالعه اجرای انتخاب‌های نهادی با ارتباط مستقیم با مدیریت و اداره انتخابات (و قوانین و مقررات متعاقب آن) می‌تواند به طور اساسی به درک چگونگی تأثیر کیفیت مدیریت انتخابات بر فرآیندهای مشروعیت کمک کند.

1. Demmel Huber

2. Malta

3. Kim

4. Elklit

5. Reynolds

قاضیان^۱ (۲۰۱۲) در مقاله انتخابات مجلس نهم در ایران: چالش‌ها و دیدگاه‌ها، به بررسی و تحلیل مشکلات، چالش‌ها و دیدگاه‌های مختلف حول انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته و چنین دریافت که حضور بالای رأی‌دهندگان به عنوان دلیلی بر حقانیت و درستی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان بوده است. پژوهش‌های مرتبط با ادبیات پژوهش حاضر، هر کدام از یک بعد خاص به موضوع انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران و کلاً مقوله انتخابات و تأثیرات و پیامدهای داخلی و بین‌المللی آن پرداخته‌اند اما پژوهش حاضر با تأثیر انتخابات پارلمانی (مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری) بر بحران‌های جهانی و منطقه‌ای و داخلی ایران پرداخته است.

۲-۱- مفاهیم و پایه‌های نظری پژوهش

در این بخش از پژوهش، ابتدا به تحلیل مفاهیم مرتبط با پژوهش پرداخته و سپس با بهره‌گیری از تئوری‌های مختلف در ارتباط با دموکراسی، مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی بنیان‌های نظری پژوهش را قالب‌بندی می‌کنیم.

۱-۲-۱- مفاهیم پژوهش

در این بخش، مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش جهت آشنایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
- انتخابات

کلمه انتخاب از فعل لاتین legere به معنای "انتخاب کردن" گرفته شده است. انتخابات، فرآیندی است که از طریق آن شهروندان انتخاب می‌کنند چه کسی نماینده آن‌ها در دولت یا پارلمان باشد یا چه کاری در مورد یک موضوع خاص انجام شود. با این حال، تفاوت بین شکل و ماهیت انتخابات مهم است. انتخابات از لحاظ لغوی معانی مختلفی دارد، از جمله برگزیدن، بیرون کشیدن، برگزیدن چیزی از میان چیزهای دیگر و برگزیدن کسی از میان جمعی برای کاری. همچنین، واژه انتخابات به معنای عمل گزینش و انتخاب کردن است؛ یعنی عمل گزینش و انتخاب کردن از چندین مورد با گزینه‌های مختلف. در تعریف واژه انتخابات می‌توان معانی مختلفی را در فرهنگ‌های حقوقی سیاسی و اجتماعی پیدا نمود که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- یک رأی جهت انتخاب برنده یک نهاد سیاسی یا یک موقعیت سیاسی، ۲- عمل انتخاب کردن شخص یا چیزی، ۳- وضعیت انتخاب شدن، ۴- تعیین سرنوشت برخی اشخاص. در تعریفی دیگر، واژه انتخاب این گونه معنا شده است: الف- عمل یا قدرت انتخاب کردن، ب- عمل انتخاب شدن یا توانایی ایجاد یک انتخاب. در مجموع، واژه انتخابات به معنای گزینش و عمل انتخاب کردن است و زمانی واقعیت بیرونی خواهد داشت که اولاً اراده آزاد انسان پیش‌فرض گرفته شود و ثانیاً گزینه‌های مختلفی وجود داشته باشد تا از میان آن‌ها انتخاب شود (خسروی، ۱۳۸۸، ص ۸).

- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که جایگاه ویژه درهم آمیخته‌ای با بسیاری از مفاهیم دیگر دارد و نمی‌توان از دموکراسی بدون قرار گرفتن در معرض مشارکت سیاسی و نظام‌های انتخاباتی از طریق سازوکارهایی که آراء رأی‌دهندگان را تبدیل می‌کند، صحبت کرد (Hamzah, 2021, p. 270). مشارکت سیاسی به فعالیت‌های توده مردم در سیاست از جمله رأی دادن در انتخابات، کمک به یک کمپین سیاسی، دادن پول به یک نامزد انتخاباتی، نوشتن یا تماس با مقامات، درخواست، تحریم و تظاهرات اطلاق می‌شود (Uhlaner, 2015, p. 110). در تعریفی دیگر، مشارکت سیاسی به فعالیت‌های شهروندان اشاره دارد که بر سیاست تأثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی به عنوان فعالیتی است که توسط یک شهروند به منظور تأثیر تقریباً مستقیم بر انتخاب‌ها و اقدامات سیاستمداران

انجام می‌شود. شهروندان از طریق مشارکت سیاسی، هم بر تصمیمات دولتی و هم بر تصمیمات غیردولتی تأثیر می‌گذارند و بر تخصیص مقتدرانه ارزش‌ها برای جامعه نقش دارند (Sung & Jang, 2020, p. 1794). با در نظر گرفتن توصیفات مختلف از مشارکت سیاسی می‌توان بیان کرد که مشارکت سیاسی پدیده‌ای متغیر است که در طول زمان و مکان تغییر می‌کند. ما می‌توانیم مشاهده کنیم که بسیاری از اشکال کنش سیاسی (از رأی‌گیری و مبارزات سیاسی گرفته تا اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی و حتی فعالیت‌های مدنی) به‌عنوان مشارکت سیاسی تعریف شده‌اند. با توجه به عدم اجماع بین محققان در مورد مشارکت سیاسی و همچنین، تحولات اخیر در رسانه‌های جدید و جوامع مدنی مدرن، در این مقاله تعریف زیر از مشارکت سیاسی ارائه می‌شود: مشارکت سیاسی هر اقدامی از سوی شهروندان است که با هدف تأثیرگذاری بر نتایج نهادهای سیاسی یا ساختارهای آن‌ها انجام و با مشارکت مدنی تقویت می‌شود (Sairambay, 2020, p. 124).

– دموکراسی

دموکراسی به‌عنوان یک چارچوب سیاسی مطلوب در طول قرن ۲۰ و ۲۱ ظهور کرده است. در یک حکومت دموکراتیک، افراد حق انتخاب آزادانه دارند که این به دلیل ارائه حقوق برابر برای همه شهروندان تحت قانون توسط سیستم دموکراتیک است. سیستمی که به نام دموکریتا^۱ شناخته می‌شود و نشان‌دهنده حکومت توسط مردم است، تجسم اولیه دموکراسی و اولین دموکراسی شناخته‌شده در جهان بود. ورود دموکراسی به دولت‌شهر آتن در دوره بازسازی کلیستنس^۲ در ۵۰۷ و ۵۰۸ قبل از میلاد اتفاق افتاد که نشان‌دهنده پذیرش همه‌جانبه آن بود. پریکلس^۳ به‌عنوان یک شخصیت سیاسی برجسته در طول دوره بین سال‌های ۴۶۱ تا ۴۲۹ ظاهر شد (Olorunlana, 2023, pp. 1-3). توسعه تاریخی و خاستگاه دموکراسی را می‌توان به تمدن‌های باستانی به‌ویژه یونان باستان نسبت داد. مفهوم دموکراسی در آتن باستان از طریق مشارکت شهروندان آن در حکومت سرچشمه می‌گرفت. واژه «دموکراسی» از زبان یونانی گرفته شده و از دو کلمه دمو^۴ به معنای مردم و کراتین^۵ به معنای حکومت کردن ساخته شده است. دموکراسی را می‌توان به معنای واقعی کلمه، دولت مردم یا دولت اکثریت ترجمه کرد. دموکراسی به‌عنوان یک شکل دولتی باید از سلطنت، اشراف و دیکتاتوری متمایز شود. ممکن است قبلاً در مورد رایج‌ترین تعریف دموکراسی از آبراهام لینکلن^۶ شنیده باشید: «حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم». به بیان دیگر می‌توان گفت که حکومت از مردم، توسط مردم و با هدف منافع خود مردم اعمال می‌شود (Becker, 2008, p. 4).

۲-۱-۲- چارچوب تئوریک پژوهش (توسعه سیاسی؛ انتخابات و تقویت مشارکت سیاسی)

– توسعه سیاسی

توسعه سیاسی به‌عنوان زیرشاخه سیاست تطبیقی در دهه ۱۹۶۰ شناخته شد. این نظریه ریشه در نظریه مدرنیاسیون دارد که در سال‌های پس از جنگ شروع به تأثیرگذاری بر چندین رشته علوم اجتماعی کرده بود. قبل از دهه ۱۹۶۰، سیاست تطبیقی تمایل داشت بر اشکال حکومتی غالب در جهان صنعتی پیشرفته، یعنی اروپا و اتحاد جماهیر شوروی سابق، تمرکز کند. با این حال، با ظهور تعدادی از دولت‌ها در آسیا و آفریقا در نتیجه فروپاشی امپراتوری‌های اروپا و درگیری‌های جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی که راه‌های جایگزینی برای توسعه فراهم کرد، سیاست تطبیقی شروع به تمرکز بر روی آنچه به‌عنوان ملت‌های «جدید»، «در حال ظهور»، «توسعه‌نیافته» یا

1. Demokrita
2. Cleisthenes
3. Pericles
4. Demos
5. Kratein
6. Abraham Lincoln

«در حال توسعه» شناخته شد، نمود (Adeniran, 2019, p. 25). اغلب نظریه‌های توسعه سیاسی بر عوامل و شرایط توسعه سیاسی تأکید داشته و برای یافتن آن‌ها از توضیحات رایج در علوم اجتماعی به‌ویژه توضیح همبستگی، انگیزشی، کارکردی، تاریخی، آماری و نوع آرمانی بهره جسته‌اند. این نظریات که اغلب معطوف به شرایط لازم توسعه سیاسی هستند، با اولویت‌بخشی به عوامل ساختار اجتماعی و اقتصادی، نقش صورت‌بندی قدرت سیاسی را نادیده گرفته‌اند. برخی از نظریه‌پردازان توسعه سیاسی استدلال کرده‌اند که توسعه سیاسی نه تنها به تحولات محیط پیرامون (حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) بلکه به‌ویژه به خصوصیات ساخت قدرت و حوزه سیاسی بستگی مستقیم دارد (منشادی و اکبری، ۱۳۹۹: ۱۷۶). آلموند و پاول، توسعه سیاسی را یک جنبه از فرایند گسترده نوسازی تلقی می‌کردند که با سه معیار مشخص می‌شود؛ انفکاک ساختاری، استقلال نظام فرعی و دنیوی‌سازی فرهنگی (هتته، ۱۳۸۸: ۹۸). صاحب‌نظران جهانی، شاخص‌های توسعه سیاسی را برای بیش از ۱۲۰ کشور جهان مشخص کرده‌اند که به شرح زیر است:

۱. یکپارچگی ملی، ۲. مشارکت رأی‌دهندگان، ۳. مشارکت مردمی در فرآیند تصمیم‌گیری دولتی، ۴. گروه‌های دینفع خودمختار، ۵. گردش رسانه‌های جمعی، ۶. خودمختاری دولت‌های محلی، مؤسسه‌ها و نهادها، ۷. گسترش و خودمختاری بخش غیر بوروکراسی جامعه (مثلاً بخش آموزشی)، ۸. عدم تمرکز سیاسی و اداری، ۹. خودمختاری بخش شبه‌دولتی (مانند مؤسسات عمومی و مؤسساتی که توسط دولت تأسیس شده‌اند)، ۱۰. سیستم حزبی باثبات که با عملکرد دموکراتیک درونی مشخص می‌شود، ۱۱. رقابت سیاسی، ۱۲. مدارا با مخالفت و اعتراض، ۱۳. گسترش پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی، ۱۴. باز بودن در مدیریت دولتی، ۱۵. آموزش و پرورش، ۱۶. شهرنشینی، ۱۷. آزادی مطبوعات، ۱۸. ماشین‌آلات انتخاباتی غیر حزبی صادقانه، ۱۹. استقلال قوه قضائیه و غیره (Boruah, 2021, pp. 107-108). همچنین، ممکن است شاخص‌های منفی توسعه سیاسی شامل مواردی مانند ۱. شورش، ۲. تعداد زندانیان سیاسی در زندان، ۳. ترورهای سیاسی، ۴. فرار دستکاری‌شده قانون‌گذاران از یک حزب به حزب دیگر و غیره باشد (Boruah, 2021, pp. 107-108).

– مشارکت سیاسی

هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطح از حکومت محلی یا ملی است. مشارکت سیاسی دارای سطوح و مراتب مختلفی است که از بالا به پایین به شرح زیر رتبه‌بندی شده است: داشتن پست سیاسی یا اجرایی، خواهان پست سیاسی یا اجرایی بودن، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در جلسات عمومی، تظاهرات و غیره، عضو غیرفعال یک سازمان سیاسی، عضو غیرفعال یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در مباحث سیاسی غیررسمی، علاقه‌مندی نسبی به امور سیاسی و رأی دادن (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹۴).

در اواسط قرن بیستم، ظهور دموکراسی نمایندگی و مبارزه برای حق رأی همگانی در بسیاری از دموکراسی‌ها منجر به درک نسبتاً دقیقی از مشارکت سیاسی به‌عنوان فعالیت‌های مرتبط با انتخابات شد. با توجه به ارتباط روزافزون سیاست‌های اجتماعی، کارنامه مشارکت سیاسی به تدریج شامل تماس‌های مستقیم بین شهروندان، مقامات دولتی و سیاستمداران و «فعالیت‌های جمعی» بود که تمرکز قوی اولیه بر فعالیت‌های مرتبط با انتخابات را کاهش داد. این فعالیت‌ها به‌عنوان شیوه‌های متعارف یا نهادینه مشارکت شناخته شدند (Verba & Nie, 1972, p. 1).

۲- دموکراسی؛ مفهوم، اصول و ویژگی‌ها

۲-۱- مفهوم

دموکراسی، یکی از ارزش‌های اصلی جهانی سازمان ملل متحد است. منشور ملل متحد به نام مردم سازمان ملل متحد اعلام شده و اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که اراده مردم، اساس اقتدار حکومت است. احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصل برگزاری انتخابات دوره‌ای و واقعی از عناصر ضروری دموکراسی است. مشارکت سیاسی و عمومی برای حکمرانی دموکراتیک، حاکمیت قانون، شمول اجتماعی و توسعه اقتصادی و پیشبرد همه حقوق بشر، امری ضروری است. حقوق مشارکت در توانمندسازی افراد و گروه‌ها برای از بین بردن حاشیه‌نشینی و تبعیض ضروری است. همچنین، این حقوق به‌طور جدایی‌ناپذیری با سایر حقوق بشر مانند حقوق اجتماعات و اجتماعات مسالمت‌آمیز، آزادی عقیده و بیان و حق آموزش و اطلاعات مرتبط است. حق مشارکت در اداره امور عمومی از جمله حق رأی و نامزدی در انتخابات، هسته اصلی حکومت‌های دموکراتیک مبتنی بر اراده مردم است. انتخابات واقعی، جزء ضروری و اساسی محیطی است که از حقوق بشر حمایت و ترویج می‌کند. حق رأی دادن و انتخاب شدن در انتخابات ادواری واقعی به‌طور ذاتی با تعدادی دیگر از حقوق بشر مرتبط است که بهره‌مندی از آن‌ها برای یک فرآیند انتخاباتی معنادار بسیار مهم است. این حقوق پیش‌نیاز عبارت‌اند از:

حق آزادی از تبعیض، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکل و اجتماعات مسالمت‌آمیز و حق آزادی (UN Human Rights Office, 2024, p. 1).

دموکراسی از دوران باستان در سنت اندیشه سیاسی غرب مورد استفاده بوده است. این واژه از ریشه یونانی "demos" گرفته شده است که به معنای مردم "kratos" مخفف "حکومت یا حکومت" است؛ بنابراین، دموکراسی به‌عنوان شکلی از حکومت در میان ملل جهان مدرن تبدیل شده است. تقریباً همه کشورهای جهان مشتاق انتخاب اعضای خود برای اشغال مقام‌ها و پست‌های اداری و سیاسی هستند و شهروندان تشویق می‌شوند که در انتخابات شرکت کرده و به کسانی که در رقابت هستند، رأی دهند. دموکراسی مردم را تشویق می‌کند تا در انتخابات شرکت کنند. انتخابات به مردم این فرصت را می‌دهد که با انتخاب نمایندگان خود ابراز وجود کنند. شهروندان می‌توانند به طرق مختلف مشارکت داشته باشند؛ برخی در انتخابات شرکت می‌کنند و برخی دیگر به کسانی که رقابت می‌کنند، رأی می‌دهند.

۲-۲- اصول

امروزه، نظام دموکراسی با اصول و ویژگی‌های خاص یعنی رویه‌ها و ترتیبات نهادی آن از دیگر اشکال نظام سیاسی متمایز می‌شود. اصول دموکراسی عبارت‌اند از:

- دولت مورد توافق (رضایت)

دموکراسی حکومت مردم است. رضایت عقلایی را می‌توان با متقاعدسازی به دست آورد. این رضایت برای فضای بحث آزاد، ضروری است. با توجه به ماهیت و حجم زیاد و گاه فوریت سیاست‌ها و تصمیمات دولتی، همیشه نمی‌توان در مورد جزئیات هر موضوع با مردم مشورت کرد. مردم می‌توانند از طریق دو سطح عمده در تصمیم‌گیری و بحث شرکت کنند؛ الف) در میان نمایندگان مردم در قوه مقننه (مجلس قانون‌گذاری) که به هر عضوی بدون توجه به گرایش حزبی فرصت مشارکت داده می‌شود و ب) در سطح عمومی (شناخت عمومی) که در آن ارتباط مستقیم بین رهبری و مردم وجود خواهد داشت. رسانه‌های جمعی (روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها، رادیو و غیره) نیز به‌عنوان ابزار مؤثر ارتباط بین رهبری و مردم عمل می‌کنند (Chinonyelum, 2015, p. 112).

- مسئولیت‌پذیری عمومی

دموکراسی مبتنی بر رضایت مردم بوده و به همین دلیل است که جان لاک (۱۷۰۴)، دولت را به‌عنوان "امانت‌دار" قدرتی که مردم به آن برای حمایت از حق طبیعی آن‌ها برای زندگی، آزادی و مالکیت واگذار کرده‌اند، توصیف می‌کند. بنتام (۱۸۳۲) معتقد است که دموکراسی یک دستگاه سیاسی است که مسئولیت پاسخگویی حاکمان را در برابر حکومت شوندگان تضمین می‌کند. از نظر بنتام (۱۸۳۲)، فرمانداران دارای قدرت ممکن است تمایل به سوءاستفاده از آن داشته باشند زیرا این امر در نیجریه و سایر دموکراسی‌های در حال توسعه بسیار رایج است؛ بنابراین، به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت خود، فرمانداران باید مستقیماً در برابر رأی‌دهندگان که در حال توسعه هستند، پاسخگو باشند (Chinonyelum, 2015, p. 112).

- قاعده اکثریت

در دموکراسی‌های نمایندگی مدرن، تصمیمات در چندین نهاد (قوه مقننه، کمیته‌ها، کابینه‌ها و مجریان یا نهادهای نظارتی) اتخاذ می‌شود. قانون و قاعده اکثریت به این معناست که در همه نهادهای تصمیم‌گیر از رأی‌دهندگان تا آخرین کمیته‌ها، مسائل از طریق رأی‌گیری حل شود. برابری سیاسی از طریق اصل "یک نفر، یک رأی" تأمین می‌شود؛ یعنی هیچ بخش امتیازی وجود نخواهد داشت که ادعای وزن ویژه داشته باشد و یا هیچ بخش تحت امتیازی وجود نخواهد داشت که صدای آن نادیده گرفته شود. هیچ تبعیضی از نظر مذاهب، قلعه نژادی، جنسیت، محل تولد، مالکیت دارایی و حتی مدارک تحصیلی مجاز نیست. هرگونه محدودیت در حق رأی باید بر اساس دلیل متقن باشد، مثلاً جایی که نمی‌توان از رأی به شیوه‌ای منطقی و مسئولانه استفاده کرد؛ در مورد مجرمین محکوم، بیماران روانی و افراد زیر سن قانونی (Chinonyelum, 2015, p. 112).

- حکومت مشروطه

به معنای «حکومت بر اساس قوانین» است. دموکراسی به یک ماشین بی‌نهایت پیچیده از فرآیندها، رویه‌ها و نهادها نیاز دارد تا اراده اکثریت را به عمل تبدیل کند. هنگامی که رویه مقرر حتی برای یک هدف مشروع کنار گذاشته شود، می‌تواند سابقه‌ای ایجاد کند که ممکن است برای پیگیری اهداف نامشروع دنبال شود و دروازه‌های سیل فساد باز شود. این آفت دموکراسی در کشورهای در حال توسعه است زیرا نهادهای دموکراتیک در این کشورها نیز ضعیف هستند که باعث هرگونه فساد و نقض قانون اساسی می‌شود؛ بنابراین، برای ثبات یک حکومت دموکراتیک، داشتن یک سنت قانونی و قانون اساسی به‌خوبی تثبیت شده ضروری است (Chinonyelum, 2015, p. 113).

۳- ویژگی محوری دموکراسی؛ انتخابات و کارکردها

در این قسمت از پژوهش، انتخابات به‌عنوان ویژگی محوری نظام دموکراسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و در ادامه به کارکردهای نظام انتخاباتی پرداخته خواهد شد.

۳-۱- انتخابات، ویژگی محوری دموکراسی

حکومت دموکراتیک، حکومتی است با «رضایت حکومت‌شوندگان». به گفته شومپتر (۱۹۴۲)، انتخابات قلب دموکراسی است. او در ادامه بیان می‌کند که این یک «ترتیب نهادی» است، به‌عنوان وسیله‌ای برای پر کردن دفاتر دولتی از طریق مبارزه رقابتی برای رأی مردم (Schumpeter, 1942, p. 33). طبق نظر اولیسا اتال (۱۹۹۱)، انتخابات مکانیسم‌هایی برای انتخاب افراد برای مناصب دولتی یا سایر مناصب خصوصی است (Olisa, 1991, p. 14). از دیدگاه گنوبا (۲۰۰۷)، انتخابات فرآیندی است که طی آن اعضای یک جامعه یا سازمان یک یا چند نفر را برای اعمال

قدرت از طرف خود انتخاب می‌کنند. تدارک انتخابات در دموکراسی به این منظور است که اطمینان حاصل شود دولت با رضایت حکومت‌شوندگان از اختیارات خود استفاده خواهد کرد. به عبارت دیگر، انتخابات به اقتدار حکومت مشروعیت می‌بخشد. به همین جهت، انتخابات فرآیندی است که از طریق آن، اعضای یک گروه، باشگاه، جوامع، جوامع و سازمان‌ها برخی از اعضای خود را برای تصدی مناصب در فواصل زمانی معین انتخاب می‌کنند (Gaub, 2007, p. 67).

۲-۳- کارکردهای انتخابات

دو دیدگاه متضاد در مورد کارکردهای انتخابات وجود دارد. دیدگاه مرسوم این است که انتخابات مکانیسمی است که از طریق آن می‌توان سیاستمداران را به پاسخگویی فراخواند و مجبور کرد سیاست‌هایی را به نحوی منعکس‌کننده افکار عمومی معرفی کنند. از سوی دیگر، گینزبرگ (۱۹۸۲)، کارکردهای انتخابات را به عنوان ابزاری نشان می‌دهد که از طریق آن، دولت و نخبگان سیاسی می‌توانند بر جمعیت خود کنترل داشته باشند و آن‌ها را آرام‌تر و در نهایت حکومت‌پذیرتر می‌کنند. انتخابات، نه صرفاً مکانیسم پاسخگویی عمومی بوده و نه ابزاری برای تضمین کنترل سیاسی. مانند همه کانال‌های ارتباط سیاسی، انتخابات «خیابانی دوطرفه» است که به دولت و مردم، نخبگان و توده‌ها فرصت تأثیرگذاری بر یکدیگر را می‌دهد (Ginsberg, 1982, p. 167).

– جذب سیاستمداران

در کشورهای دموکراتیک، انتخابات منابع اصلی جذب سیاسی بوده که این کارکرد با روندی که احزاب از طریق آن نامزدها را معرفی می‌کنند، عملی می‌شود. سیاستمداران تمایل به داشتن استعدادها و مهارت‌هایی دارند که مربوط به برگزاری انتخابات است، مانند مهارت‌های سخنوری و ظاهر زیبا.

– ایجاد حکومت

انتخابات، دولت‌ها را در کشورهای تشکیلی تشکیل می‌دهد که در آن‌ها قوه مجریه سیاسی به‌طور مستقیم انتخاب می‌شود. در نظام‌های پارلمانی رایج‌تر، زمانی که نظام انتخاباتی تمایل دارد به یک حزب اکثریت پارلمانی واضح رأی بدهد، انتخابات بر روی تشکیل دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (Chinonyelum, 2015, p. 114).

– ارائه نمایندگی

زمانی که انتخابات آزاد باشد، انتخابات عادلانه و رقابتی، وسیله‌ای است که از طریق آن، مطالبات از مردم به دولت منتقل می‌شود. صرف‌نظر از به‌کارگیری ابتکارات و یادآوری، رأی‌دهندگان ابزار مؤثری برای اطمینان از اجرای دستورات جدا از ظرفیت آن برای اعمال مجازات در انتخابات بعدی ندارند.

– سیاست‌های تأثیرگذار

انتخابات قطعاً دولت‌ها را از دنبال کردن سیاست‌های رادیکال و عمیقاً غیرمحبوب باز می‌دارد اما تنها در موارد استثنائی، زمانی که یک موضوع واحد بر مبارزات انتخاباتی غالب است، می‌توان گفت مستقیماً بر سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین، می‌توان استدلال کرد که دامنه گزینه‌های خط‌مشی مشخص‌شده در انتخابات معمولاً به‌قدری محدود است که نتیجه می‌تواند فقط اهمیت سیاست حاشیه‌ای داشته باشد (Chinonyelum, 2015, p. 115).

– آموزش رأی‌دهندگان

روند مبارزات انتخاباتی، اطلاعات فراوانی را در مورد نامزدهای احزاب، سیاست‌ها، سوابق دولت فعلی، نظام سیاسی و غیره در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهد، منافع عمومی را برمی‌انگیزد و در مقابل بی‌تفاوتی و بیگانگی، بحث را

تحریک می‌کند. از آنجا که نامزدها و احزاب به جای آموزش به دنبال متقاعد کردن هستند، آن‌ها انگیزه قوی برای ارائه اطلاعات ناقص و تحریف‌شده دارند.

- ایجاد مشروعیت

یکی از دلایلی که حتی رژیم‌های اقتدارگرا برای برگزاری انتخابات، حتی اگر رقابتی نباشد، به زحمت می‌افتند، این است که انتخابات با ارائه توجیهی برای یک نظام حکومتی به تقویت مشروعیت کمک می‌کند. این امر به این دلیل اتفاق می‌افتد که تشریفات تبلیغاتی به‌نوعی بر انتخابات متمرکز است. انتخابات می‌تواند مشروعیت دولت را افزایش دهد و یکی از راه‌های بهبود نگرش شهروندان نسبت به دولت و در نتیجه، افزایش تمایل آن‌ها برای رعایت قوانین و مقررات باشد.

- جایگاه و اهمیت تشریفات

مهم‌تر از همه، با تشویق شهروندان به مشارکت در سیاست، حتی در شکل محدود انتخابات، رضایت فعال را بسیج می‌کند.

- تقویت نخبگان

انتخابات می‌تواند وسیله‌ای باشد که از طریق آن، نخبگان می‌توانند توده‌ها را دستکاری کرده و کنترل کنند. نارضایتی‌ها و مخالفت‌های سیاسی را می‌توان با انتخاباتی خنثی کرد که آن‌ها را در جهت قانون اساسی هدایت می‌کند و به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا بیایند و بروند، درحالی که خود رژیم زنده است. انتخابات به‌ویژه در این زمینه مؤثر است زیرا این تصور را به شهروندان می‌دهد که در حال اعمال قدرت بر دولت هستند (Chinonyelum, 2015, p. 116).

۴- تاریخچه شکل‌گیری نظام دموکراسی و انتخابات در ایران

از نظر تاریخی، شکل غالب حکومت در ایران، سلطنت پاتریمونال بود. باین‌حال، در آغاز قرن بیستم یک بحران اقتصادی فزاینده، نارضایتی از حکومت استبدادی سلسله قاجار، هجوم افکار لیبرال اروپا به ایران و تغییر پویایی‌های منطقه‌ای منجر به انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ شد که یک جنبش اصلاحات سیاسی بومی متشکل از روشنفکران سکولار، بازرگانان و روحانیون روشنفکر بود که خواستار نهادهای پاسخگو و نماینده بودند. محور اصلی اهداف مشروطه‌خواهان، تأسیس «عدالت‌خانه»‌ای بود که مسئول اجرای عدالت، حمایت از حاکمیت قانون و حمایت از حقوق شهروندان باشد. درحالی که قانون اساسی مکتوب و پارلمان منتخب، جزء خواسته‌های اولیه مشروطه‌خواهان نبود، در تابستان ۱۹۰۶، اعتراضات گسترده در پایتخت، شاه را مجبور کرد که اعلامیه‌ای سلطنتی صادر کند و به نخست‌وزیر دستور داد تا مجلس شورای ملی را تشکیل دهد (Alem, 2011, p. 5).

انتخابات مجلس اول، بلافاصله آغاز شد و نمایندگان بر اساس قانون انتخابات تصویب‌شده در سپتامبر ۱۹۰۶ انتخاب شدند. این قانون، ۱۵۶ نماینده را برای دوره‌های دو ساله انتخاب می‌کرد. ۶۰ نماینده با رأی مستقیم از تهران و ۹۶ نماینده باقی‌مانده به‌طور غیرمستقیم توسط هیئت انتخاب‌کنندگان در استان‌ها انتخاب شدند. قانون تقسیم، رأی‌دهندگان را به شش طبقه مقرر می‌کرد؛ شاهزادگان قاجار، طلبه‌ها و طلاب حوزه‌های علمیه، بزرگان، بازرگانان، مالکانی که دارایی حداقل ۱۰۰۰ تومانی دارند و پیشه‌وران و صنعتگران متعلق به یک صنف بازرگانی شناخته‌شده. تخصیص کرسی در استان‌ها بر اساس اندازه جمعیت تعیین شد. از ۱۲ استان ایران، چهار استان هر کدام ۱۲ نماینده برای مجلس شورای ملی و هشت استان هر کدام شش نماینده را انتخاب کردند. انتخابات در ولایات بر اساس یک روند دو مرحله‌ای برگزار شد. در هر حوزه انتخاباتی، از هر صنف رأی‌دهندگان، یک نماینده برای سفر به مرکز استان انتخاب شدند تا با اکثریت آراء، نماینده استان در مجلس را انتخاب کنند. با سقوط سلسله قاجار در سال ۱۹۲۵ و به سلطنت رسیدن

رضاشاه پهلوی، تغییرات بیشتری در قانون انتخابات به تصویب رسید. مهم‌تر از همه، وزارت کشور به‌عنوان نهاد مسئول آماده‌سازی جنبه‌های لجستیکی انتخابات معرفی شد. کارکردهای آن شامل چاپ و توزیع برگه‌های رأی، تهیه پیش‌نویس بودجه برای انتخابات، تأمین مالی عملیات فنی و تأیید اعتبارنامه افراد انتخاب‌شده برای خدمت در شوراهای نظارت بود. همچنین، اصلاحات جدید دو سطح نظارت را معرفی کرد؛ شوراهایی که در مراکز استان‌ها تأسیس می‌شوند و شوراهایی که در شهرهای کوچک‌تر استان‌ها تشکیل می‌شوند. رضاشاه بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ با حمایت ارتش، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین نتیجه انتخابات ایفا کرد. در آغاز چرخه انتخابات، دولت با کمک دربار شاهی، فهرستی از نامزدهای قابل قبول عضویت در مجلس را تهیه کرد تا برای تأیید به شاه ارسال شود. هنگامی که پادشاه لیست را تأیید کرد و چهره‌های نامطلوب حذف شدند، همه کسانی که نامشان در لیست نهایی آمده بود، موفقیتشان در انتخابات تضمین شد (Alem, 2011, p. 6).

رضاشاه پهلوی در سال ۱۹۴۱ به نفع پسرش محمدرضا پهلوی از سلطنت کنار رفت. اولین انتخابات تحت قیمومیت او در سال ۱۹۴۳ به‌عنوان اولین انتخابات علنی پس از پانزده سال برگزار شد. در سال ۱۹۴۹، قانون انتخابات برای انتخابات مجلس سنا تصویب شد. در حالی که قانون اساسی ۱۹۰۶ تأسیس مجلس اعلای نمایندگان را پیش‌بینی کرده بود، مجلس سنا برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ تشکیل جلسه داد. طبق قانون اساسی، شاه حق داشت ۳۰ نفر از ۶۰ سناتور را تعیین کند. عموم مردم، ۳۰ عضو باقی‌مانده را برای یک دوره شش ساله انتخاب کردند. فرمول انتخابات مجلس سنا بر اساس یک فرآیند پیچیده دو مرحله‌ای بود. با این حال، در سال ۱۹۶۰، پیشنهاد دولت منجر به جایگزینی روند دو مرحله‌ای با انتخابات مستقیم شد. سن رأی دادن ۲۵ سال تعیین شد و زنان از حق رأی حذف نشدند. برای نامزد شدن، یک فرد باید حداقل ۴۰ سال سن داشته، مذهب مسلمان داشته و در حوزه انتخاباتی خود شناخته شده باشد. در حالی که مجلس بین سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۹ به‌طور منظم انتخاب می‌شد اما قدرت واقعی نداشت. رأی‌گیری اجباری در سال ۱۹۷۵ برای مبارزه با بی‌علاقگی رأی‌دهندگان مطرح شد. شاه چهار سال بعد سرنگون شد و جمهوری اسلامی با فراندوم مردمی و تظاهرات مردمی در سال ۱۹۷۹ تأسیس گردید (Alem, 2011, pp. 2-9).

۵- ویژگی‌های راهبردهای بنیادین انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

راهبردهای بنیادین انتخابات در ایران از سوی قانون اساسی نمایانده می‌شود. بنا بر آنچه از اصل‌ها و سیمای راستین این پیمان همگانی برمی‌آید، راهبردهای بنیادین انتخابات سه ویژگی برجسته دارند؛ مشروعیت‌بخشی که چهره نهادی دارد، اعتباربخشی که نگاه کارکردی دارد و حق‌بخشی که رویکرد حمایتی دارد.

- مشروعیت‌دهی

انتخابات مایه مشروعیت مقام‌ها و نهادهای کلیدی در ساختار سیاسی ایران است. دو مقام رسمی کلیدی یعنی مقام رهبری و رئیس‌جمهور، به نوبت با رأی غیرمستقیم و مستقیم مردم گزینش می‌شوند. کلیدی‌ترین نهاد شورایی یعنی مجلس شورای اسلامی نیز با رأی مستقیم مردم مشروعیت می‌یابد. قدرت سیاسی ایران، چه در چارچوب فرد محوری با محوریت مقام رهبری و رئیس‌جمهوری و چه جمع‌محوری با محوریت مجلس شورای اسلامی، با انتخابات تکوین می‌یابند و تعیین بدون انتخاب آن‌ها از دید قانون اساسی شذنی نیست (عالی پور، ۱۳۹۴، ص ۶۶).

- اعتباردهی

انتخابات، بدن نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. اصل‌های نخستین قانون اساسی، روح و بدن نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایانند. همچنان که نظام جمهوری اسلامی از جهت روان بر پایه ارزش‌های دینی و کرامت انسان است، از جهت بدنی بر پایه انتخابات شکل می‌گیرد. انتخابات کارکرد این بدن را تعیین و به همه اندام‌های

آن اعتبار می‌دهد. طبق اصل ششم در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود؛ از راه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. از این‌رو، اگر قانون اساسی دنبال آن است تا در باور مقام‌ها و شهروندان ایرانی ارزش‌های اعتباری و معنوی جای بگیرد ولی در کاربرد یعنی در جایی که کارها و برنامه‌های جامعه باید به اجرا درآید، انتخابات کلید اعتباردهی به آن است (عالی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

- حق‌دهی

انتخابات، سنجه‌ای برای حق‌دهی و حق‌ستانی است. با آنکه انتخاب شدن و انتخاب کردن در زمره حقوق ملت نیامده، می‌توان این دو را به‌طور کلی حقوق یا اختیار مقرر در قانون اساسی دانست. چالش در این است که اگر به‌راستی انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات حق به شمار آید و رنگی از تکلیف بر این دو نباشد، در این حال جایگاه انتخابات در قانون اساسی با پوشیدگی همراه است. به سخن دیگر، اگر بر پایه قانون اساسی اداره امور کشور با انتخابات نمود می‌یابد، پس نمی‌توان پذیرفت انتخاب شدن و انتخاب کردن هر دو حق به شمار آیند که در این حال، اگر همگان یا بیشتر شهروندان از حق خود روی بگردانند، اداره امور کشور بر پایه انتخابات نیز دست‌نیافتنی است. پس دو سوی انتخابات در اصل به انتخاب شدن و انتخاب کردن مکلف‌اند چون به‌عنوان شهروند جامعه باید در اداره امور کشور که به سود خود آنان است، دست داشته باشند (عالی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

۶- قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران

انتخابات مجلس در اصول ۶، ۵۸ و ۶۲ قانون اساسی تصریح شده است. برخلاف ریاست جمهوری، معیارهای کاندیداتوری برای مجلس ۲۹۰ کرسی در قانون اساسی مشخص نشده بلکه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۹۸۴ مشخص شده است. بر اساس ماده ۲۸، معیارها عبارت‌اند از «اعتقاد عملی به دین اسلام و نظام مقدس»، تابعیت، وفاداری به ولایت فقیه، مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس، عدم سوء شهرت در حوزه انتخاباتی، سلامت جسمانی و سن ۳۰ تا ۷۵ سال. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اصل ۹۹ قانون اساسی، مسئولیت تأمین شرایط را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است؛ نکته‌ای که در اصل ۳ قانون انتخابات به آن اذعان شده است (Parsons, 2010, p. 1).

۷- انتخابات ۱۴۰۲؛ فرصت‌های امنیت ملی (داخلی) و جنگ نرم منطقه‌ای و جهانی (خارجی)

مشارکت‌افزایی در انتخابات، یکی از نمادهای نظام مردم‌سالاری دینی، تحقق جامعه مدنی، توسعه سیاسی، مقبولیت‌سنجی تصمیم‌های استراتژیک نظام و از شاخص‌های مشروعیت‌سنجی ساختارهای حکومتی است که در اسناد بالادستی نیز عمل‌گرایی و بسترسازی برای تحقق آن مورد تأکید قرار گرفته است. حضور پرشور و حداکثری مردم در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲، پیامدهای سیاسی-امنیتی داخلی و خارجی (منطقه‌ای و جهانی) بسیاری را برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت که به تحلیل و بررسی تعدادی از این پیامدها می‌پردازیم.

- خنثی نمودن آثار تحریم‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایل آمریکا برای گسترش عمق و سطح تحریم‌ها، مشروعیت‌زدایی از ساختارهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران است به‌طوری‌که با انعکاس تصاویر مجازی از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی تحریم‌ها و ایجاد سرخوردگی در میان آحاد جامعه در جهت مأیوس نمودن مردم و تضعیف مشارکت حداکثری حرکت می‌کند. درحالی‌که تحقق حضور حداکثری و هوشمندانه در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره

مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲، علاوه بر توسعه ظرفیت امنیت استراتژیک نرم‌افزاری ایران، این پیام سیاسی را به حامیان دیپلماسی چماق و هویج می‌دهد که هیچ‌گاه ابزار تهدید نمی‌تواند خللی در پشتوانه ملی برای دفاع از دولتمردان برای حمایت از حقوق اساسی ملت به وجود آورد. این اقدامات بیهوده، نه تنها قدرت مانور متولیان دیپلماسی هسته‌ای را افزایش می‌دهد بلکه به ایجاد دودستگی در جبهه متحدان آمریکا برای تداوم گزینه تحریم منجر خواهد شد (طالبی، ۱۳۸۸: ۶). مشارکت بالای مردم در انتخابات، یکی از مهم‌ترین مظاهر افزایش قدرت نرم ایران به شمار می‌آید؛ ضمن اینکه این مشارکت بالا به معنای باور مردم به آزاد، مؤثر و واقعی بودن انتخابات و خنثی‌کننده فعالیت‌های سیاسی، مدنی و حقوق بشری آن دسته از مخالفان بین‌المللی و اپوزیسیون خارجی است که انتخابات ایران را آزاد و دموکراتیک نمی‌دانند و به این بهانه و سایر بهانه‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی به ایران فشار وارد می‌آورند. امنیت ملی در سرنوشت یکایک ما تأثیرگذار است؛ مدت‌ها است شاهد یک سلسله جریان‌سازی‌ها از سوی رسانه‌های معاند علیه ملت ایران هستیم تا با سیاه‌نمایی، زمینه‌های افزایش یأس و ناامیدی در جامعه را ایجاد کنند تا به خواسته‌های ضد انسانی خود برسند. مردم ایران با حضور پرشور خود در انتخابات، طبیعتاً هم به حق شهروندی خود عمل خواهند کرد و هم پیام مهمی به دولت‌های منطقه و جامعه جهانی ارسال خواهند کرد که ایران به دلیل برخورداری از وحدت ملی و انسجام داخلی آماده هرگونه مقابله با تهدیدات خارجی است.

– حضور حداکثری در انتخابات؛ تقویت قدرت نرم ایران و دیپلماسی عمومی

ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آن‌ها را پذیرفته و سرلوحه عمل خویش قرار داده است، در صورتی که جذاب باشند و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند، می‌توانند در نقش منابع مولد قدرت نرم ظاهر شوند. جوزف نای، شماری از این ارزش‌ها مانند مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا و برخورداری از پشتوانه مردمی (شرکت در انتخابات) را برخوردار از چنین خصیصه‌ای می‌داند. به زعم وی، این ارزش‌های قدرت‌آفرین در آیین فرهنگ عامه (مانند آزادی فردی)، رفتارها و سیاست‌های داخلی (مانند مردم‌سالاری)، نحوه عملکرد در نهادهای بین‌المللی (مانند گوش‌فرادادن به سخن دیگران) و سیاست‌های خارجی یک کشور (مانند پیشبرد صلح و حقوق بشر) متجلی می‌شوند (Nye, 2002, pp. 9-11).

در اواخر دهه ۱۹۹۰/اوایل دهه ۲۰۰۰ بود که تلاش‌های بلندپروازانه برای گسترش نفوذ فرهنگی و مذهبی ایران، از جمله راه‌اندازی شبکه‌های رسانه‌ای بین‌المللی یا آغاز فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای دینی بین‌المللی شکل گرفت چراکه تا قبل از آن، قدرت نرم ایران تحت تأثیر جنگ هشت ساله با عراق از پویایی لازم برخوردار نبود (Wastnidge, 2015, p. 367).

تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه قدرت نرم با آنچه جنگ نرم علیه نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب در سراسر جهان تشریح شده، توضیح داده می‌شود. به گفته سایکل، تمرکز روزافزون تهران بر جنگ نرم ناشی از این مهم است که ایالات متحده از حقوق بشر و ارتقای دموکراسی، همراه با هنجارهای لیبرال حاکم بر نظام بین‌الملل که بخشی از یک استراتژی تمام‌عیار است، برای تضعیف ایران استفاده می‌کند. طرح‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بیشتر موارد با هدف بازگرداندن وجهه عمومی کشور که به‌طور نا‌عادلانه‌ای توسط غربی‌ها مورد هجمه قرار می‌گیرد، انجام شده است (Saikal, 2019, p. 163). این تغییر سیاست به دلیل تنش‌های فزاینده بین ایران و ایالات متحده در دولت بوش بود که پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایران را به‌عنوان بخشی از "محور شرارت" همراه با عراق و کره شمالی محکوم کرد. ایالات متحده، ایران را به‌عنوان دنبال‌سلاح‌های کشتار جمعی و حامی تروریسم معرفی کرد. این اقدام در راستای تخریب و تضعیف وجهه عمومی ایران انجام شد. از آنجا که این امر برای وضعیت ایران مضر بود، تهران تقویت وجهه عمومی خود را ضروری می‌دانست. در همان دوره، در سال ۲۰۰۵ بود که مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند

چشم‌انداز راهبردی بیست‌ساله را منتشر کرد که اهداف بلندپروازانه زیادی را برای تبدیل ایران به کشوری توسعه‌یافته تا سال ۲۰۲۵ تعیین می‌کرد. درواقع، هدف این سند، پیشگامی جمهوری اسلامی ایران با الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، تفکر مدرن و اخلاقیات در جهان اسلام بود (Jones & Newlee, 2019, p. 176).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی امنیتی آمریکا برای تغییر رفتار دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران، کاربست آموزه‌های دکترین براندازی نرم با هدف وادارسازی کارگزاران نظام به امتیازدهی و اتخاذ رویکرد وادادگی است. بنیان‌های دکترین براندازی نرم بر چهار محور راهبرد مهار، نبرد رسانه‌ای، سازمان‌دهی نافرمانی مدنی و ایجاد و گسترش تنش‌های قومی-فرقه‌ای متمرکز شده است درحالی که تحقق مشارکت حداکثری می‌تواند هر چهار آفتد فوق‌الذکر را رفع نماید. تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات ۱۴۰۲، مبین پایمردی دولتمردان به ارزش‌های دموکراتیک، احترام به کرامات انسانی و صیانت از حقوق اساسی ملت است که می‌تواند نقش تأثیرگذاری را بر خنثی‌سازی جنگ تبلیغاتی غرب مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید. اهمیت این کار به‌ویژه در زمانی که آمریکا استفاده از گفتمان‌های نرم‌افزار گرایانه را برای تضعیف نظام برگزیده است، پررنگ‌تر می‌شود (طالبی، ۱۳۸۸، ص ۷).

بنابراین، تبلیغات بر سر نهادهای دموکراسی و به‌خصوص انتخابات می‌تواند به‌عنوان ابزار دیپلماسی عمومی مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ البته به شرط آنکه افکار عمومی کشورهای هدف، ارزیابی مثبتی از صداقت و اخلاق دولت مبتکر داشته باشند. امروزه، دولت‌های بسیاری حتی از گروه مخالفان هژمونی آمریکا در قالب برنامه‌های دیپلماسی عمومی از انتخابات به‌عنوان ابزاری برای نمایش تصویری مثبت، محق و قابل اعتماد از خود نزد افکار عمومی کشورهای دیگر بهره می‌گیرند. بدیهی است جلب افکار عمومی از این طریق به تحقق مؤثرتر منافع ملی در جهان کمک می‌کند (قنبرلو، ۱۳۹۴، ص ۱۸۵).

- تقویت قدرت بازیگری ایران در خاورمیانه

هیچ کشوری در خاورمیانه به اندازه ایران ترکیبی از ابعاد جغرافیایی، موقعیت استراتژیک، جمعیت زیاد و تحصیل کرده، تاریخ باستانی و منابع طبیعی وسیع را ندارد. صرف‌نظر از اینکه چه کسی بر تهران حکومت می‌کند، این ویژگی‌ها همیشه به آرزوهای برتری منطقه‌ای دامن می‌زند. از زمان انقلاب ۱۹۷۹ و ظهور جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران ضد امپریالیستی و اسلام‌گرا بوده است که با به چالش کشیدن نظام بین‌المللی آمریکامحور، نفوذ منطقه‌ای کشور در خاورمیانه را گسترش داده است. ایران بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه در پر کردن خلأ قدرت منطقه‌ای مؤثر بوده است. چهار کشور عربی که تهران در حال حاضر بیشترین نفوذ را در آن‌ها دارد (سوریه، عراق، لبنان و یمن)، مشغول درگیری‌های داخلی هستند و توسط دولت‌های مرکزی ضعیف و درگیر اداره می‌شوند. در هر یک از این زمینه‌ها و در سایر نقاط منطقه، تهران نفوذ خود را با (۱) ایجاد و پرورش بازیگران غیردولتی و گروه‌های مبارز، (۲) حمایت از اقلیت‌های مذهبی یعنی اعراب شیعه، (۳) برافروختن خشم علیه آمریکا و اسرائیل و (۴) تأثیرگذاری بر انتخابات مردمی به‌منظور تضمین پیروزی متحدان خود، گسترش می‌دهد (Sadjadpour & Ben Taleblu, 2015, p. 1).

اگر بپذیریم که هر انتخابات ملی بر روی مشروعیت و ثبات نظام سیاسی مستقر، تمامیت سرزمینی و مصالح عمومی آن کشور تأثیرگذار خواهد بود، آنگاه درخواهیم یافت که برآیند و مابه‌ازای برگزاری یک انتخابات پرشور، آزاد و امن در عرصه خارجی نیز افزایش قدرت ملی، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی، افزایش قدرت چانه‌زنی و پیشینه‌سازی توان برآورده ساختن منافع ملی و ارتقای پرستیژ بین‌المللی است. این موضوع، به دو صورت به ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران کمک می‌نماید؛ نخست به بازیگران منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که برای ایجاد ثبات در

منطقه و حل معضل تروریسم می‌باید بر روی پتانسیل‌های ایران بیشتر تمرکز نمایند و دوم، این امنیت و ثبات به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی اعتماد و اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ایران می‌بخشد. نتیجه مهم دیگر، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی ایران است. به‌طور کلی، نظام‌های سیاسی جهان با همه‌ی تفاوت‌های ریز و درشتی که با هم دارند، در دو دسته کلی نظام‌های مردم‌سالار و یا غیرمردم‌سالار قرار می‌گیرند. در جهانی که در آن دموکراسی یک ارزش سیاسی والا به حساب می‌آید، داشتن یک نظام مردم‌سالار به‌خودی‌خود افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی را برای هر کشوری به ارمغان می‌آورد. حال اگر در این نظام مردم‌سالار، یک انتخابات آزاد و واقعی با مشارکتی حداکثری و بالای ۷۰ درصدی داشته باشیم، آن هم در شرایطی که پیشروان دموکراسی در غرب در بهترین حالت در انتخابات خود مشارکتی حداکثر ۵۰ درصدی را رقم می‌زنند، این مشروعیت و اعتبار بین‌المللی به شکلی دوچندان خودنمایی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با عنوان «انتخابات ۱۴۰۲ ایران: پیامدهای داخلی و بین‌المللی»، تلاش نمود پیامدها و نتایج حضور پرشور و حداکثری مردم ایران در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ را بر سیاست داخلی ایران و تقویت نقش بازیگری ایران در منطقه و جهان بررسی نماید. پژوهش با استفاده از مفروضات تئوری توسعه سیاسی و دموکراسی به بررسی مفاهیم دموکراسی، مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی پرداخت. در ادامه، پژوهش به بررسی و تحلیل تاریخیچه شکل‌گیری مجلس و نظام مشروطه در ایران و سپس کارکردهای نظام انتخابات پرداخت. انتخابات در ایران همیشه دارای آثار و ابعاد داخلی و گسترده بین‌المللی بوده است. پژوهش با تقسیم پیامدهای برگزاری انتخابات پرشور مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۴۰۲ به پیامدهای داخلی و بین‌المللی، چنین نتیجه می‌گیرد که برگزاری انتخاباتی با حضور پرشور مردم در داخل، زمینه افزایش مشروعیت نظام سیاسی را فراهم می‌نماید و تشکیل مجالس شورای اسلامی و خبرگان قوی با پشتوانه حداکثری مردمی این دو نهاد را در پرداختن و حل مسائل کشور تقویت می‌کند. در بعد بین‌المللی، حضور مردم در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، گامی بلند و سترگ در خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان انقلاب بوده و زمینه حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و مسائل و بحران‌های این منطقه را فراهم می‌کند.

به‌صورت خلاصه می‌توان ادعا کرد که انتخابات به دو شیوه، مسیر تقویت جایگاه بین‌المللی ایران را هموار می‌کند؛ از یک طرف، برگزاری انتخابات پرشور، پرستیژ و جایگاه دموکراتیک ایران را ارتقا می‌بخشد و از طرف دیگر، حکومت با داشتن پشتوانه مردمی به‌راحتی توطئه‌های دشمنان را خنثی می‌سازد.

منابع

- خسروی، حسن. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم انتخابات دموکراتیک. *حقوق اساسی*، ۶(۱۱)، ۸۷-۱۱۶.
- طالبی، تقی. (۱۳۸۸). مشارکت در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و بایسته‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. دفتر مطالعات سیاسی، ۹۶۵۰.
- عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۴). نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۸(۳)، ۶۳-۸۸.
- قادرزاده، امید، شریفی، فاطمه، و حسن‌خانی، الناز. (۱۳۹۸). مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۷(۴)، ۹۳-۱۲۹.

قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۵). تأثیر انتخابات بر جایگاه بین‌المللی دولت: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۸ (۶۹)، ۱۷۹-۱۹۶.

منشادی، مرتضی، و اکبری، سارا. (۱۳۹۹). تبیین رابطه ساخت سیاسی و توسعه سیاسی در دوران پهلوی اول بر اساس مدل برنارد کریک. *دولت‌پژوهی*، ۶ (۲۱)، ۱۷۹-۲۱۴.

Adeniran, T. (2019). The search for a theory of political development. *Transition*, (48), 25-38.

Alem, Y. (2011). *Duality by design: The Iranian electoral system*. International Foundation for Electoral Systems (IFES) 1850 K Street, NW Fifth Floor Washington, D.C. 20006.

Becker, P. (2008). *What is democracy?*. Political Science, University of Hamburg.

Boruah, K. (2021). Application of the indicators of political development in present scenario of Assam. *Journal of Cardiovascular Disease Research*, 12(4), 107-110.

Chinonyelum, A. (2015). Democracy, election and political participation in nigeria: 1999-2011. *Journal of Policy and Development Studies*, 9(5), 110-119.

Demmel, H. T. (2023). *Strengthening the right to participate: legitimacy and resilience of electoral processes in illiberal political systems and authoritarian regimes*. European Parliament coordinator: Policy Department for External Relations Directorate General for External Policies of the Union. [http://https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2023/702581/EXPO_STU\(2023\)702581_EN.pdf](http://https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2023/702581/EXPO_STU(2023)702581_EN.pdf).

Elklit, J., & Reynolds, A. (2000). *The Impact of Election Administration on the Legitimacy of Emerging Democracies: A New Research Agenda*. Working Paper Number. <http://https://kellogg.nd.edu/documents/1578>.

Gauba, O.P. (2007). *Introduction to political theory* (4th ed.). India: Macmillan Publishers Ltd.

Ghazian, H. (2012). The ninth parliamentary elections in Iran: Challenges and perspectives. Syracuse University, Heinrich Boll.

Ghazian, H. (2012). The Ninth Parliamentary Elections in Iran: Challenges and Perspectives. <https://policycommons.net/artifacts/2200025/the-ninth-parliamentary-elections-in-iran/2956387/>

Ginsberg, B. (1982). *The consequences of consent*. Reading: MA Addison – Wesley.

Hamzah, A. G. (2021). Electoral systems and political participation in local and legislative elections of Iraq. *Utopía y Praxis Latinoamericana*, 26(2), 270-284.

Jones, S. & Newlee, D. (2019). The United States' soft war with Iran. *Center for Strategic and International Studies*, 2(12), 122-146.

Justice, T. & Olorunlana, T. (2023). *The history of democracy: From ancient athens to present-day*.

Kim, T. (2021). The impact of election outcome on internal political efficacy: The role of contextual factors. *Electoral Studies*, 74, 102406.

Lierl, M. (2021). *Elections and government legitimacy in fragile states*. Hamburg: German Institute for Global and Area Studies (GIGA). <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ss0ar-76659-2>.

Nye, J. S. (2002). *The paradox of american power: Why the world's only superpower can't go it alone*. Oxford University Press.

Olisa. M. O, Okoli, E., & Nwabufo. E. (1991). *Government for senior secondary schools*. Awka: Africana – FEP Publishers Ltd. Book House Trust.

Parsons, N. (2010). Electoral Politics in Iran: Rules of the Arena, Popular Participation, and the Limits of Elastic in the Islamic Republic. <https://mei.edu/publications/electoral-politics-iran-rules-arena-popular-participation-and-limits-elastic-islamic>.

Sadjadpour, K., & Taleblu, B. B. (2015). Iran in the middle east: Leveraging chaos. *Geopolitics and democracy in the Middle East*, 35.

Saikal, A. (2019). *Iran rising. The survival and future of the islamic republic*. Princeton: Princeton University Press.

Sairambay, Y. (2020). Reconceptualising political participation. *Human Affairs*, 30(1), 120-127.

Schumpeter, J. (1942). *Capitalism, socialism and democracy*. London: Allen and Unwin.

Sung, W., & Jang, C. (2020). Does online political participation reinforce offline political participation?: Using instrumental variable. *Hawaii International Conference on System Sciences*.

Uhlaner, C. (2015). *Politics and participation*. University of California, Irvine.

UN Human Rights Office. (2024). Democracy, right to participate and the electoral process. <https://www.ohchr.org/en/topic/democracy-right-participate-and-electoral-process>.

- Verba, S., & Nie, N. H. (1972). *Participation in America: Political democracy and social equality*. Harper & Row.
- Wastnidge, A. (2015). The modalities of Iranian soft power: From cultural diplomacy to soft war. *Politics*, 12(3), 1-14.

